



# خدایی دیدن

## زیبایی‌ها و کمالات جهان

حجت‌الاسلام محمد محرابی، مشاور تربیتی و کارشناس قرآنی

پس از «بسم‌الله الرحمن الرحیم» که آغازگر سوره‌هاست، نخستین وظیفهٔ بندگان این است که به یاد مبدأ و خالق بزرگ جهان هستی و نعمت‌های بی‌پایانش بیفتند؛ همان نعمت‌های فراوانی که سراسر وجود و زندگی ما را فراگرفته‌اند، راهنمای ما در شناخت پروردگارند و انگیزهٔ ما در راه عبودیت. چرا، هنگامی که نعمتی به انسان می‌رسد، دوست دارد بخشندهٔ آن نعمت را بشناسد و به فرمان فطرتش به سپاس‌گزاری برخیزد و حق شکر او را ادا کند.

اختصاص داشتن حمد و ستایش به خداوند متعال که از آیهٔ «الحمد لله رب العالمین» استفاده می‌شود، برای ما روشن می‌کند که چون همهٔ صفات و افعال نیکوی جهان و موجودات، از خداوند حاصل می‌شوند و جلوه‌ای هستند از اسمای حسنا و صفات عالیای خداوند که از او به مخلوقاتش جاری گشته‌اند، به همین سبب ستایش هر حسن و کمالی در واقع ستایش مبدأ و خالق آن‌هاست. جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، جهانی خدایی است و آینده از جلوه‌ها و نشانه‌های خداوند و اگر نگاهی عمیق و عاقلانه به آن داشته باشیم، آثار صنع الهی را به‌وضوح در آن می‌یابیم:

هر که فکر نکند نقش بود بر دیوار

### خدایی دیدن جهان و درک خوش‌بختی

توجه داشتن به این موضوع که همهٔ زیبایی‌ها و کمالات جهان جلوه‌هایی از زیبایی و حسن و کمال خداوندند، آثار ارزشمند و مهم زیر را برای زندگی و دین‌داری ما به ارمغان می‌آورد:

**اول:** زندگی از معنا و مفهومی فراطبیعی و باطراوت برخوردار می‌شود که با فطرت کمال‌گرا و بی‌نهایت‌خواه ما هماهنگ است و احساس پوچی و افسردگی را از ما دور می‌کند.

**دوم:** احساس امنیت و آرامش را در ما افزایش می‌دهد. زیرا در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند مهربان و توانا آن را ساخته و سرشار از جلوه‌های زیبای اوست. **سوم:** امید و اشتیاق به موفقیت در عرصهٔ دین‌داری (هم‌دوش با موفقیت دنیایی) را در ما افزایش می‌دهد، چرا که این جهان، جهانی خدایی است با سنت‌ها و قوانینی برای یاری‌رساندن به انسان‌های مؤمن و دین‌باور.

**چهارم:** تأثیر امور منفی و انحرافی را در ما کاهش می‌دهد، زیرا می‌دانیم آنچه از بدی‌ها و تاریکی‌ها در جهان دیده می‌شود، اصالت ندارد و امری ناهماهنگ با آفرینش الهی و ناتوان در برابر عظمت خداوندی است. این نگرش متعالی، شجاعتی پولادین برای مبارزه با بدی‌ها و ناپاکی‌ها را دل‌های ما ایجاد می‌کند.

### نقش «نگرش» در دین‌داری شاگردان

یکی از امور ضروری در عرصهٔ تربیت دینی این است که ما به فرزندان و شاگردان خود درک و شناخت درستی از خداوند و صفات او و جهان آفرینش بدهیم. در واقع، این شناخت سنگ بنای دین‌داری آنان خواهد بود. البته لازم است به محدودیت‌های ذهنی و روانی آن‌ها هم توجه داشته باشیم و آن را در ساده‌ترین و قابل‌فهم‌ترین روش و بیان به آن‌ها ارائه کنیم.

همهٔ انسان‌ها از نعمت‌های الهی

برخوردارند، اما تفاوت انسان دین‌دار و خداگرا با انسان سرگشته و بی‌دین در نگرشی است که نسبت به این نعمت‌ها دارند. فرد دین‌باور آن‌ها را نعمت‌هایی از خداوند مهربان می‌داند که برای رشد و کمال در اختیار او گذاشته شده‌اند، اما فرد غافل یا غیر دین‌دار، از مبدأ و آفریدگار نعمت‌ها غافل است یا آن‌ها را اتفاقی دانسته و دچار سردرگمی و تحیر می‌شود و نمی‌داند آن نعمت‌ها چگونه به وجود آمده‌اند و برای چه هدفی باید استفاده شوند؟

قرآن کریم نه تنها همهٔ نعمت‌های جذاب جهان را از خدا می‌داند، بلکه آن‌ها را اشیایی مرتبط با خداوند و متصل به نیروی الهی و اسما و صفات او می‌داند. در این دیدگاه عمیق، خداوند که «قیوم» است، با وجود بی‌نهایتش در همه جای هستی حضور دارد و همه چیز را به پا داشته



و صفات و اسمای او در همه اشیا جاری شده است: «و باسمانک التي ملئت ارکان کل شیء» و هر چیزی نشانی از خداوند متعال دارد و آینه‌ای است که صفات الهی را به نمایش می‌گذارد.

### ← جویبارهای صفات الهی در شاگردان

لازم است فرزندان و شاگردان ما این نکته را به خوبی دریابند که صفات گوناگون و استعدادها و توانایی‌های درونی آن‌ها، جویبارهای صفات الهی و زیبایی‌ها و

استقلالی به کمالات خود و دیگران، ممکن است با داشتن توانایی‌ها یا استعدادهای قوی، دچار تکبر و خودبزرگ‌بینی شوند و راه سعادت و دین‌داری را گم کنند: «ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی» (علق، ۶) یا اینکه در برابر افرادی که ویژگی‌های برجسته‌ای دارند احساس کمبود کنند و نگاهی آژمندانه و از روی ذلت و حقارت به آنان داشته باشند. فرزندان ما با داشتن چنین نگرشی، سرشار از نشاط و امید و آرامش خواهند شد، زیرا خود را در جهانی می‌یابند که از خدا و با خداست. از سوی دیگر، از تعادل درونی و رفتاری برخوردار می‌شوند و در عین داشتن تواضع و فروتنی، از عزت‌نفس و احساس شخصیت لازم بهره‌مند خواهند شد.

### ← اعتماد به نفس و تواضع در والدین و معلمان

ما زمانی می‌توانیم این مفاهیم و معارف عمیق دینی را به فرزندان و شاگردان بیاموزیم که خود نیز آن‌ها را در عمق جانمان باور داشته باشیم و در عمل و در ارتباط با دیگران این نگرش را تحقق بخشیم. وجود دو صفت ارزشمند «اعتماد به نفس» و «تواضع» در ما، بهترین راه عملی برای تحقق این نگرش در زندگی فرزندان و شاگردان ماست، زیرا اگر ما به‌عنوان والدین یا معلمان از اعتماد به نفس لازم در زندگی و مواجهه با دیگران برخوردار نباشیم، یا اینکه دچار غرور و تکبر باشیم و برای دیگران ارزش قائل نشویم، نمی‌توانیم آنان را به این دو صفت ارزشمند و طلایی آراسته کنیم؛ چرا که فرزندان و شاگردان ما بیش از آنکه به سخنان و توصیه‌های ما توجه کنند، به کنش‌ها و منش ما توجه می‌کنند و همانند ما می‌شوند.

صفت تواضع بیانگر این نگاه عمیق است که آنچه از کمالات داریم، از خداوند و موهبت اوست و لذا نباید بر خود غرّه شد و دیگران را حقیر دید. صفت اعتماد به نفس نیز نشانگر آن است که همه ما به اندازه کافی از عنایت و الطاف الهی برخورداریم و آنچه دیگران دارند نیز از خداوند است. دیگران امانت‌دار نعمت‌ها و الطاف الهی هستند و خودباختگی در برابر آنان هم معنایی ندارد.

معلم متعادل و نمونه، در کلاس درس

توانایی‌های خداوند است که در وجود آن‌ها جاری شده است. از این رو، اولاً باید بر خود ببالند که به‌عنوان خلیفه و جانشین خداوند مورد این لطف الهی قرار گرفته‌اند، ثانیاً شکر گزار خداوند باشند و از آن نعمت‌ها و موهبت‌ها برای رشد و کمال خود و دیگر انسان‌ها و سایر موجودات استفاده کنند، ثالثاً هیچ‌گاه دچار خودبزرگ‌بینی و غرور نشوند و در طرف مقابل، اگر ویژگی‌های برجسته و مثبتی را در دیگران هم دیدند، دچار خودباختگی نشوند و در برابر آنان به کرنش نیفتند؛ زیرا هر زیبایی و قدرت و کمالی از خداوند بخشنده و مهربان است و تنها باید او را ستایش کرد و تنها باید او را سپاس گفت که ما را از صفات متعالی خود بهره‌مند ساخته است.

فرزندان ما بدون چنین نگرشی نمی‌توانند ارتباطی عمیق با خداوند داشته باشند. از سوی دیگر، به دلیل داشتن نگاه

خود از اعتماد به نفس لازم برخوردار است و آن را به شاگردانش منتقل می‌کند و هیچ‌گاه آنان را تحقیر نمی‌کند. همچنین، با روش متواضعانه و صمیمی خود در کلاس، روح تواضع و فروتنی علمی و اخلاقی را در شاگردانش می‌دمد و آنان را شیفته و دوستدار واقعی خود می‌کند.

### ← آیا اعتماد به نفس مقوله‌ای غیردینی است؟

درباره اینکه آیا «اعتماد به نفس» مقوله‌ای دینی است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از عالمان دینی فرموده‌اند چون فرد مؤمن باید به خداوند اعتماد کند، پس اعتماد به نفس نمی‌تواند مقوله‌ای دینی باشد. این سخن اگر چه فی‌نفسه فرمایشی متین است، اما توجه به دو نکته نشان می‌دهد که این موضوع می‌تواند مقوله‌ای دینی باشد. نکته اول اینکه «نفس» در نگاه غیردینی رنگی اومانستی و گسسته از خداوند دارد، اما در نگاه دینی کاملاً با خداوند مرتبط است و خداوند بدان قسم خورده است: «و نفس و ما سویها \* فالهمها فجورها و تقویها» (شمس، ۸). در نگاه دینی، خداوند از روح خود در ما دمیده است: «فاذا نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین» (حجر، ۲۹، ص، ۷۲) و به ما فطرتی الهی داده است: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها» (روم، ۳۰) و به همین دلیل، اعتماد به نفس در نگاه دینی اعتماد به نفس الهی است نه اعتماد به نفس در مقابل خداوند.

نکته دوم آنکه موضوع اعتماد به نفس در فضای ارتباطات انسانی و مانند آن مطرح می‌شود و پیامش این است که ما در مقابل دیگران یا در برابر حوادث و رخدادها خود را نیازیم و عزت‌نفس و قوت اراده داشته باشیم. این موضوع به رابطه ما با خداوند ربطی ندارد. در ارتباط با خداوند، ما باید روی خود حساب نکنیم و همه دارایی‌های درونی و بیرونی خود را از خداوند بدانیم و بسادآور فقر و نیاز مطلق خود باشیم؛ چنان‌که خداوند متعال فرموده است: «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر، ۱۵). به همین دلیل، اعتماد به نفس در برابر خداوند امری نامعقول و غیردینی است.